

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال دوازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۵

جلسه ۲۳ - سه‌شنبه ۹۴/۸/۲۶

اشکالات شهید صدر بر بیان محقق اصفهانی رحمته‌الله

شهید صدر رحمته‌الله چهار اشکال به بیان جناب مرحوم اصفهانی وارد کرده است؛

اشکال اول^۱ شهید صدر بر محقق اصفهانی رحمته‌الله

استصحاب، زمانی جریان دارد که اثر بر مستصحب بار باشد. اگر مستصحبی به خودی خود اثر داشت می‌توان آن را استصحاب کرد، ولی اگر اثر بعد از جریان استصحاب باشد و بر خود استصحاب اثر مترتب باشد، استصحاب جاری نیست و در ما نحن فیه اثر بر مستصحب مترتب نیست؛ زیرا مستصحب، زمان واقعی است و در ما نحن فیه اثر بر زمان واقعی مترتب نیست، بلکه اثر بر زمان تبعیدی مترتب است؛ چون مرحوم اصفهانی فرض کرده است که بعد از استصحاب، زمان تبعیدی محقق می‌شود و ما وجداناً در آن زمان، نماز می‌خوانیم یا روزه می‌گیریم. لهذا این استصحاب جاری نیست.

نقد و بررسی اشکال اول شهید صدر رحمته‌الله

در پاسخ ایشان باید گفت در تمام مواردی که موضوعی تکوینی را استصحاب می‌کنیم و بعد می‌خواهیم با عملی متعلق را محقق کنیم، این چنین است و ما قبول داریم که اثر مربوط به واقع است، و اینکه بیان شد اثر مترتب بر زمان تبعیدی است، درست نیست بلکه واقع را تبعیداً جرّ به زمان لاحق می‌کنیم.

مثال: شارع فرموده است: «اغسل ثوبک فی کرّ من الماء»؛ لباست را در کرّی از ماء بشوی. کرّ یک

۱. بحوث فی علم الأصول (تقریرات شاهرودی)، ج ۶، ص ۲۷۷:

و یلاحظ علیه: أولاً- هذا موقوف علی کفایة ترتب الأثر علی نفس الاستصحاب فی جریانہ، إذ المفروض ثبوت الظرفیة للزمان التبعیدی الذی هو فی طول الاستصحاب لا للزمان الواقعی.

مفهوم تکوینی است؛ یعنی مقدار خاصی است و یک موضوع شرعی نمی‌باشد. فرض می‌کنیم قبلاً کَرّی از ماء داشتیم و به واسطه‌ی برداشتن یک یا دو سطل از آن آب شک می‌کنیم کَرّیت هنوز باقیست یا خیر؟ از سوی دیگر علی‌الفرض وظیفه داریم که در کَرّی از ماء لباس بشوییم. حال اگر استصحاب جاری شد و گفته شد: هذا الماء کان کَرّاً و الآن کما کان، آیا نمی‌توانیم در آن آب، لباس را تطهیر کنیم؟ آیا بر مستصحاب اثر مترتب است یا مترتب نیست؟ معلوم است که مترتب است و امری واضح است که کَرّ من الماء، قید متعلق است. وقتی با استصحاب کَرّی از ماء، لباس را در آن می‌شوئیم، با ضمیمه‌ی اصل به وجدان نتیجه می‌گیریم به تکلیف خود عمل نموده‌ایم.

مرحوم اصفهانی نیز می‌گوید روایت و دلیل می‌فرماید صلات باید در نهار باشد، مانند آنجا که غَسَل باید در کَرّ من الماء باشد، نهایت «کَرّ من الماء» ظرف مکان است و «النهار» ظرف زمان، لذا می‌گوییم قبلاً نهار بود و آن را استصحاب می‌کنیم، صلات نیز وجداناً موجود است، بنابراین متعلق تکلیف که صلات و وقوع آن در نهار است محقق می‌شود. بنابراین اشکال اول وارد نیست و مستصحاب، همان زمان واقعی است که آن را ظاهراً تا زمان حال امتداد می‌دهیم.

اشکال دوم شهید صدر بر محقق اصفهانی رحمته‌الله

ایشان می‌فرماید^۱ اگر واقعاً با استصحاب و احراز فرد تبعدی زمان، می‌توانید وجدان کنید که نماز و روزه در زمان ولو زمان تبعدی واقع شده است، چرا حلّ مشکل را به این صورت که زمان به عنوان وجود محمولی اخذ شده باشد، اختصاص دادید؟! چرا اگر به صورت وجود ناعتی اخذ شده باشد مشکل رفع نشود؟! در حقیقت اکنون که فرد تبعدی زمان وجود دارد و نماز در فردی تبعدی اتیان شده است، می‌توان گفت «وقع صلاتی فی النهار و صار صلاتی نهاریهً و صار امساکی نهاریاً» زیرا این نیز امری وجدانی است، چرا حلّ مشکل را به صورتی که زمان به عنوان وجود محمولی اخذ شده باشد اختصاص دادید؟!

نقد و بررسی اشکال دوم شهید صدر رحمته‌الله

در جواب از اشکال دوم باید گفت:

اولاً: اگر واقعاً این اشکال بر محقق اصفهانی رحمته‌الله وارد باشد، در حقیقت این بیان کمکی به راه‌حل ایشان

۱. همان:

و ثانیاً- لو فرض ثبوت نسبة الظرفیة بین الصوم و بین الزمان التبعدی واقعاً و وجداناً فلما ذا التفصیل بین أخذ العنوان الانتزاعی أو منشأ الانتزاع، فانه علی التقدیرین تثبت العلاقة مع الزمان الثابت تبعداً وجداناً و واقعاً سواء أُرید العلاقة الانتزاعیة أو الظرفیة.

است؛ زیرا می‌توان اشکال را حتی اگر زمان ناعتی باشد حل کرد و اشکال به اصل مطلب نخواهد بود.

ثانیاً: وجود ناعتی با محمولی تفاوت دارد؛ در قالب مثال می‌توان گفت:

در استصحاب کرّ من الماء اگر لباس را در آن شستیم، می‌گوییم امر به غسل امتثال شد و غسل محقق شد، ولی اگر دلیل دیگری گفته بود «هر وقت لباس در کرّی از ماء خیس شد، فلان حکم بر آن مترتب است»، اگر کسی لباسش را در مستصحب الکرّیة من الماء بشوید آیا می‌تواند با این عمل اثبات کند که لباسش با کرّ من الماء خیس شده و احکام خیس بودن لباس توسط کرّ من الماء بر آن مترتب شود؟ خیر؛ چون خیس شدن لازمه‌ی عقلی آن است و با استصحاب کرّ من الماء نمی‌توانیم اثبات کنیم رطوبتی که در لباس هست - اصل خیسی که وجدانی است - همان خیس شدن در کرّ من الماء است؛ چون خیسی در کرّ من الماء، لازمه‌ی عقلی مستصحب است و ناچار مثبت می‌شود.

در ما نحن فیه با استصحاب نهاریت زمان، وقتی صلوات در آن واقع شد بالوجدان در فرد تبعدی نهار واقع شده است، ولی اگر بخواهیم بگوییم نماز عنوان نهاریت پیدا کرده است، لازمه‌ی عقلی خواهد شد؛ نظیر آنجا که لباس عنوان «خیس شدن به کرّ» پیدا کرد. لهذا نمی‌توانیم آن لازمه‌ی عقلی را با این استصحاب درست کنیم.

در حقیقت فرد تبعدی، آن اندازه می‌تواند اثر داشته باشد که منجر به اصل مثبت نشود، ولی اگر استصحاب مثبتیت دارد و لوازم عقلیه‌ی مستصحب را اثبات می‌کند جاری نمی‌شود.

اشکال سوم^۱ شهید صدر بر محقق اصفهانی رحمته‌الله

زمان تبعدی، بالوجدان ظرف نیست؛ آنچه بالوجدان ظرف است زمان واقعی است. با استصحاب، زمان دیگری غیر از زمان واقعی درست نمی‌شود تا بگوییم صلوات در این زمان مجعول جدید واقع می‌شود، بلکه همان زمان واقعی را تبعداً امتداد می‌دهیم و فرض آنست که زمان واقعی که الآن تبعداً موجود است، بیش از این اثبات نمی‌کند که اصل زمان باقی است، اما وقوع صلوات یا صوم در آن اصل مثبت می‌شود.

به تعبیر دیگر طبق آنچه از عبارات شهید صدر رحمته‌الله فهمیده می‌شود، دو زمان وجود ندارد بلکه یک زمان

۱. همان:

و ثالثاً - انّ إثبات الزمان بالتعبد لا يثبت بملاكة الظرفية بين الصوم و الزمان، لوضوح أنّ الزمان التعبدی ليس زماناً حقيقياً ليتعلّق أنّ يكون ظرفاً للصوم، فكأنه وقع وهم نتيجة الألفاظ و التعبير عن المستصحب بالزمان التعبدی و إنّما حقيقة الأمر أنّ الزمان التعبدی ليس إلّا عبارة عن الحكم و الاعتبار الشرعی و لا معنى لافتراضه ظرفاً للصوم كما هو واضح، نعم يعقل أنّ يجعل القيد للواجب هو الأعم من الزمان الواقعی و الاعتبار الشرعی الظاهري للزمان إلّا أنّ هذا غير الظرفية.

واقعی وجود دارد که بخشی از آن وجداناً موجود است و بخشی تعبداً موجود است و با تعبد نمی‌توان ظرفیت زمان را برای صلات یا صوم ایجاد کرد إلا علی وجه اصل مثبت.

نقد و بررسی اشکال سوم شهید صدر رحمته الله علیه

این اشکال هم مندفع است. در همان مثال کرّ من الماء که استصحاب در آن جاری شد، دو کرّ وجود ندارد تا بگوییم غسلی که می‌شود در کرّی از ماء جدید است که تعبداً درست شده است، بلکه یک کرّ من الماء واقعی است که قطعه‌ای از آن بالوجدان است و قطعه‌ای بالتعبد و فرض آنست که تمام آثاری که بر وجود این کرّ واقعی مستقیماً و بلا واسطه مترتب بود، بر کرّ تعبدی و مستصحب هم مترتب است، از جمله وقوع غسل در آن. بنابراین ما نحن فیه هم این چنین است؛

استصحاب نهار بودن زمان بدون هیچ واسطه‌ی عقلی کافیهست در اینکه صلاتی که در آن واقع می‌شود، در همان زمان واقعی تعبداً واقع شود و همین مقدار در احراز متعلق کافیهست.

اشکال چهارم^۱ شهید صدر بر محقق اصفهانی رحمته الله علیه

اگر مانند مرحوم اصفهانی قائل شویم که قید واقعی واجب، جامع بین زمان واقعی و زمان تعبدی است، لازمه‌ای دارد که نمی‌توان ملتزم شد و آن اینکه:

اگر با استصحاب زمان (نهاریت) نماز ظهر و عصرمان را خواندیم، بعد کشف شد که این استصحاب، خلاف واقع بود و واقعاً خورشید غروب کرده و ذهاب حمراهی مشرقیه شده بوده است، اگر شرط صحت صلات وقوعش در جامع بین نهار واقعی و تعبدی باشد لازمه‌اش آن است که نماز اتیان شده ادائی باشد و اگر قصد ادائش شده باشد درست باشد؛ زیرا فاقد چیزی نبوده و همه‌ی شرایط را داشته، زمان هم اعم از واقعی و تعبدی بوده است، پس نماز خوانده شده نماز اداء خواهد بود. در حالی که کسی نمی‌تواند به این ملتزم شود و بگوید این نماز، نماز ادائی است، بلکه نماز خارج از وقت واقع شده و اداء نشده است.

۱. بحوث فی علم الأصول (تقریرات شاهرودی)، ج ۶، ص ۲۷۷:

و رابعاً- لو فرضنا ان القید هو الأعم من الزمان و التعبد به لزم من ذلك صحة العمل واقعاً فی موارد الاستصحاب لا ظاهراً فقط و هذا ما لا يلتزم به أحد.

و هكذا يتضح ان استصحاب الزمان بلحاظ قيود الواجب لا يمكن إجراؤه لإحراز تحقق الواجب به و تنجيزه إلا بنحو الأصل المثبت، و جميع المحاولات المذكورة من قبل الأصحاب لا تدفع الإشكال في خصوص المقام.

نقد و بررسی اشکال چهارم شهید صدر رحمته الله

محقق اصفهانی رحمته الله فرمودند قید صلوات و امساک، جامع بین زمان واقعی و ظاهری است. محقق اصفهانی رحمته الله فرمودند شما قید را ظاهراً می‌توانید احراز کنید و بگویید تعبداً واقع است. در استصحاب کریت ماء نیز اگر کسی لباسش را در آن شست، بعد معلوم شد این ماء کرّ نبوده است، نه تنها لباس نجس را تطهیر نکرده بلکه خودش هم منفعل شده است. همان‌گونه که آنجا استصحاب کریت لازمه‌اش این نیست که حتماً لباس پاک شده باشد و شرط و قید، جامع بین کریت ظاهریه و واقعیه باشد، در ما نحن فیه هم زمان واقعی، قید است و مادامی که ظاهراً احراز شود و کشف خلاف نشده باشد می‌توان طبق آن عمل کرد، ولی اگر کشف خلاف شد می‌گوییم نماز در وقت واقع نشده است.

پس اشکال چهارم ایشان هم طبق برداشت ما وارد نیست. اما آیا سخن محقق اصفهانی رحمته الله تمام است یا خیر، نیازمند بررسی بیشتر است.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی